



یادی از دکتر محمد خزائلی

دانشمند روشندل مروج خط بریل

قدرت الله عفتی

گرفتن کار دولتی برای نابینا مشکل بزرگتری بود که محمد خزائلی با آن مواجه گردید اما مثل همیشه با تلاش و کوشش و نشان دادن لیاقت شخصی و نبوغ ذاتی این دیوار بلند را هم از سر راه برداشت. به سال ۱۳۲۱ به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به این ترتیب راه دیگری به روی نابینایان گشوده شد و او ابتدا در دبستانهای گلپایگان و خمین، و سپس در دبستان و دبیرستانهای اراک به تدریس پرداخت. در هنگام بازدید وزیر فرهنگ وقت مرحوم علی اصغر حکمت از مدرسه عظمیه اراک، چگونگی تدریس هندسه به دانش آموزان به وسیله محمد خزائلی مورد توجه و تعجب وی گردید، تا آنجا که مدال درجه اول علمی را به دانشمند نابینای جوان اعطا نمود.

محمد در جوانی با موسیقی آشنایی پیدا کرد و گاهی نغمه‌ای برای آرامش خویش می‌نواخت. در سال ۱۳۱۸ش با یکی از شاگردان دختر خود ازدواج نمود. همسرش در امور مختلف یار و یاورش بود؛ از جمله کتابها را برایش می‌خواند و او مطالب را به حافظه می‌سپرد. ثمره این پیوند، چهار دختر و چهار پسر بود. محمد خزائلی که او را محمد نابغه لقب داده بودند، هیچگاه در راه تحصیل از پای ننشست و بی وقفه به آموختن ادبیات عرب، فلسفه قدیم، عرفان، فقه و اصول کلام و تاریخ اسلامی پرداخت. آنگاه به تهران آمد و با وجود مشکلات فراوانی که در سر راهش بود در آزمون دانشگاه شرکت کرد و قبول شد و در سال ۱۳۲۴ به اخذ درجه لیسانس از دانشکده الهیات با رتبه اول نایل آمد و مفتخر به دریافت مدال علمی گردید. وی پس از آن به سال ۱۳۲۵ از دانشکده حقوق و باز در سال ۱۳۲۹ از دانشکده ادبیات لیسانس گرفت، ولی همچنان تشنه کسب معلومات بود و با پشتکار عجیب و ذوقی سرشار که در نهاد او منحصر به فرد بود تحصیلات عالی را ادامه داد، تا جایی که در سال ۱۳۳۲ در رشته ادبیات فارسی و در سال ۱۳۳۶ از دانشکده حقوق (رشته قضایی) دانشگاه تهران درجه دکترا گرفت و به بالاترین مدارج عالی تحصیل دست یافت. دکتر خزائلی

محمد خزائلی، فرزند محمدرضا، به سال ۱۲۹۲ش در کوهرود اراک چشم به جهان

گشود. در هیجده ماهگی، بر اثر ابتلا به بیماری آبله بینایی خود را از دست داد. در آن زمان برای آموزش و پرورش نابینایان در ایران وسایل و مدارس خاص وجود نداشت، از این رو رهسپار مکاتب قدیم شد و در هفت سالگی به مکتب مرحوم شیخ حسین مدنی رفت. پس از اتمام مکتب و به محض افتتاح اولین مدرسه در اراک، به نام مدرسه سهامیه، او روانه این مدرسه شد، درسها را برایش می‌خواندند و او به برکت حافظه قوی درس را یاد می‌گرفت. در دوران ابتدایی، همیشه شاگرد اول بود و با وجود نابینایی با اشکال زیادی مواجه نشد. و به اخذ مدرک ششم ابتدایی با معدل بیست نایل گردید.

تحصیلات متوسطه را در دبیرستان صمصامی اراک ادامه داد و برای گذراندن امتحان سوم متوسطه با اشکالات زیادی مواجه شد. در این زمان، فقدان بینایی خویش را بیشتر احساس کرد. امتحان شفاهی دروس را با موفقیت گذراند، ولی به علت نابینایی نمی‌توانست در امتحان کتبی شرکت کند. از این رو، در آن سال دریافت گواهی متوسطه برایش مقدور نشد و سرانجام پس از دو سال مکاتبه و مشکلات فراوان موفق شد که با کمک منشی، امتحانات کتبی را بگذراند. بدین ترتیب، معمای بزرگ! حل شد و از آن به بعد این شیوه امتحان، برای همه نابینایان معمول گردید.

سخت‌کوشیهای او در امر دانش‌اندوزی هیچ گاه بی‌ثمر نماند، تا آنجا که به رغم مشکلات فراوان و امکانات اندک بالاخره موفق شد دیپلم ششم ادبی را به طور متفرقه در تهران امتحان دهد. او در تمام کشور رتبه اول را حائز شد و همچنین به دریافت مدال علمی نایل آمد. خزائلی اولین خدمت اجتماعی خود را همگام در دبیرستان، با تشکیل کلاس درس در منزل آغاز کرد.

به تصدیق اغلب دانشمندان و اهل فن، در علوم مذهبی و ادبیات عرب، معقول و منقول، عرفان، علم تفسیر، حقوق اسلام و شناخت ادیان کم‌نظیر بود. به زبانهای عربی، فرانسه و انگلیسی تسلط کامل داشت و به زبان آلمانی آشنا بود.

دکتر محمد خزائلی که در سال ۱۳۱۷، آموزشگاه خزائلی را در اراک تأسیس کرده بود، بعدها آموزشگاههای خزائلی را در تهران بنیاد نهاد و تمام آموزشگاهها را شخصاً مدیریت می‌کرد. او بنیانگذار اولین آموزشگاه شبانه در ایران است.

خزائلی آموزش نابینایان را مورد توجه ویژه قرار داد و اولین انجمن حمایت و هدایت نابینایان و همچنین آموزشگاه نابینایان بزرگسال و افرادی عادی را بنیان نهاد.

دکتر خزائلی نخستین پایان نامه دکترای ادبیات خود را به موضوع *اعلام قرآن کریم* اختصاص داد. اکنون این کتاب ارزنده از جمله کتابهای منبع و مأخذ تحقیقات قرآنی و اسلامی است. پایان نامه دکترای او در رشته حقوق نیز کتابی به نام *مسئولیت مدنی کارفرما، ناشی از عمل کارگر* است. که این کتاب تحقیقی نیز ملاک بسیاری از داوربهای وزارت کار است. خزائلی تألیف ارزشمند دیگری در زمینه علوم قرآنی به نام *احکام قرآن* دارد.

کتابی دیگر که بر آن نام *مختصر روان‌شناسی* نهاد، کتابی کامل برای آشنایی عموم مردم با دانش روان‌شناسی است. خزائلی در توسعه تعلیم و تربیت و گسترش آموزش بنیادها و نهادهای ادبی تلاشی خستگی ناپذیر داشت. از هر کسی در جایگاه خودش از جمله از همکاران و دوستان خود نیز یاری می‌گرفت. کتاب *بدیع و قافیه* را با همکاری مرحوم دکتر حسن سادات ناصری استاد دانشگاه تهران تألیف کرده، کتاب *المختارات* را با یاری دکتر محمد خوانساری نوشته و *دستور جاویدان* را به مدد سید ضیاءالدین میران تدوین نمود. *اسلوب الحدیث* را با کمک سید عبدالباقی تنکابنی تألیف کرد. او در زمینه ترجمه و شعر هم فعالیت کرد و آثاری ماندگار از خود به جا گذاشت. علاوه بر آثار مزبور، ایشان تاریخ فلسفه‌ای دارد که هنوز منتشر نشده است. *دائرة المعارف فلسفه* وی که حروف الف و ب آن را به پایان رسانده مابقی حروفش هم مدخل یابی و بعضاً فیش نویسی نیز شده است. از مرحوم خزائلی جمعاً ۳۵ اثر مکتوب به یادگار مانده است.

خبرنگار *روزنامه ایران* در روز یکشنبه ۱۴ اردیبهشت، ۱۳۶۶ از خانم شایسته دختر مرحوم خزائلی می‌پرسد: «پدر چگونه با خط بریل آشنا شد چون به هر حال باید برای نوشتن هم

روشی را در پیش می‌گرفت». خانم شایسته می‌گوید: «نکته جالب در زندگی پدرم این بود که ایشان هیچوقت با خط بریل چیزی ننوشت ولی با آن آشنا بود و به این خط اعتقاد داشت. علت هم این بود که امکانات آموزشی برای نابینایان تا آن موقع وجود نداشت. پدر برای نوشتن دو شیوه را برگزیده بود یکی نوشتن توسط دیگران که اغلب توسط من و مادرم انجام شد و دیگر با کلید ماشین تحریر بینایی که آن را از طریق لامسه شناخته بود و بنابراین با ماشین تحریر هم مطالب را می‌نوشت.

مرحوم خزائلی نه تنها در راه نشر معارف کشور سرافراز ایران اسلامی فعالیت نموده، بلکه زندگانی روشن و بهسازی و بهزیستی جامعه نابینایان ایران را مدنظر داشته است. وی طی بیست سال متوالی با انجمن ملی هدایت و حمایت نابینایان ایران که آن را بنیاد نهاده بود و بعد منجر به تشکیل سازمان رفاه نابینایان شد، خدمتی همیشگی و مستمر در حق آنان کرده است. او آنچه داشت برای نابینایان در طبق اخلاص نهاد و هدیه کرد.

دکتر خزائلی مجله‌ای به نام *روشندل* نیز دایر کرد که مسائل مختلف علمی، فرهنگی، مذهبی را مطرح می‌ساخت. سرانجام محمد خزائلی در ۲۲ خردادماه ۱۳۵۳ ش پس از یک هفته اغما در سن ۶۲ سالگی به دیدار معبود شتافت.

خانم شایسته در جواب خبرنگار *روزنامه ایران* که می‌پرسد: «یادگارهای پدر که شامل وسایل شخصی ایشان بوده، چه شد؟» می‌گوید: «پدرم بسیار ساده زندگی می‌کرد، لباس و کفشی که مندرس نمی‌شد، آن را عوض نمی‌کرد. او پس از درگذشت اموال چندانی نگذاشت. کتابخانه ایشان که انبوهی از کتابهای علمی و مذهبی بود به حوزه علمیه اصفهان اهدا شد و خانه مسکونیش هم که اجاره‌ای بود و بیشتر وسایلیش مثل مهر و اشیایی از این قبیل هم نزد من مانده است. بسیاری از مدارک هم مثل عکس و برخی از کتابها را عده‌ای به امانت گرفتند که پس بیاورند ولی تاکنون نیاورده‌اند و آنچه هست نسخه‌های نایاب برخی از کتابهای ایشان است.»

مآخذ

دکتر محمد خزائلی، قدرت‌الله عفتی، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۱؛ سیر گذرا در آموزش و بهزیستی معلولین بینایی، محمدرضا نامنی، تهران، ص ۱۵۳-۱۵۴؛ «نگاهی به زندگینامه دکتر محمد خزائلی»، سپیدنامه وصال، سال ۲، شماره ۵ و ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۳۰-۳۱.